

معمای حل‌ناشده «هزار و یک روز»

جلال رستمی گوران

پدر، داوطلبانه و به میل خود همسر این پادشاه که بیمار روانی است شده، می‌کوشد با حکایت داستان‌های به اصطلاح امروز «دنباله‌دار»، هم مرگ خود را به تعویق اندازد و هم پادشاه بیمار را روان‌درمانی کند. در داستان‌های هزار و یک روز بر عکس، شاهزاده خانم بر اثر دیدن یک خواب، از مردان متنفر می‌شود. او در خواب می‌بیند که گوزن نری که به دام صیادی افتاده است توسط یک ماده گوزن نجات می‌یابد. اما هنگامی که خود ماده گوزن در پی این فداکاری، اسیر بندهای دام صیاد می‌شود، گوزن نر او را به حال خود می‌گذارد و می‌گریزد. شاهزاده خانم به این ترتیب از جنس مرد مذکر می‌شود و زیر بار هیچ ازدواجی نمی‌رود. پادشاه که نگران حال دختر و کشورش است، این نگرانی را با دایه‌ای او در میان می‌گذارد. دایه قول می‌دهد که اگر به او اجازه و فرصت لازم داده شود، دختر پادشاه را سالم تحویل او دهد. در حقیقت در داستان‌های هزار و یک روز این دایه سرد و گرم روزگار چشیده و آگاه و باتجربه است که سعی می‌کند با تعریف داستان‌های هر روزه خود، این احساس تنفر از مردان را از بین ببرد و سلامت شاهزاده را دوباره به او باز گرداند. در داستان‌های هر دو کتاب، درایت و ذکاوت زنان برجسته می‌شود.

از مقدمه مترجم چاپ جدید آلمانی کتاب

فرانسوا پتی دلاکروا در پاریس به دنیا آمد. پدر او یک خاورشناس معروف فرانسوی است، که در سال ۱۶۵۲ به عنوان منشی و مترجم در دربار فرانسه به خدمت مشغول بود. فرانسوا پسر او در سن شانزده سالگی از سوی وزیر وقت لویی چهاردهم به مشرق زمین فرستاده شد. او در آغاز، چهار سال در حلب اقامت گزید. در آنجا زبان عربی آموخت و به مطالعه ادبیات عرب پرداخت. فرانسوا هم‌زمان با آموختن عربی، به عنوان مترجم، برای پادشاه فرانسه به کار مشغول شد. او مترجم قراردادهای سودآوری برای پادشاه فرانسه، لویی چهاردهم بود. در آوریل ۱۶۷۴ فرانسوا به ایران سفر کرد، تقریباً دو سال در اصفهان (پایتخت صفویان) اقامت گزید و به یادگیری زبان فارسی پرداخت. او در ۱۶۸۰، پس از سفری طولانی در امپراتوری عثمانی و خریداری تعداد زیادی نسخه خطی ارزشمند برای کتابخانه سلطنتی فرانسه، به پاریس بازگشت. دو سال بعد راهی مراکش شد و در آنجا و متعاقب آن در دیگر کشورهای شرق، مأموریت‌های دیپلماتیک بسیاری برای لویی چهاردهم انجام داد. او پس از خاتمه این مأموریت‌ها، در سال ۱۶۹۲ به فرانسه بازگشت و در پاریس اقامت گزید. در این هنگام لویی چهاردهم او را به سمت استاد زبان عربی در کالج رویال فرانسه منصوب ساخت.

Tau sendu ndeinTag. Von Francois de la Croix. Persische Geschichten. Übers. u. Nachw. V. Jorn Steinberg. Goethe & Hafis Verlag, 2009.558s.

فرانسوا پتی دلاکروا در مقدمه چاپ اول فرانسوی کتاب هزار و یک روز (۱۷۱۳-۱۷۱۰) می‌نویسد:

«ما به خاطر این داستان‌ها باید از درویش مخلص، که در ایران جزو شخصیت‌های معروف است تشکر کنیم.» دلاکروا در توصیف درویش مخلص می‌افزاید: «... او مرشد درویش اصفهان است که هم نزد مردم و هم نزد پادشاه صفوی، شاه سلیمان، ارج و قرب بسیاری دارد. این احترام به حدی است که اگر شاه تصادفاً در حال عبور از جایی با او برخورد کند، از اسبش پیاده می‌شود و رکاب اسب درویش را می‌بوسد.» دلاکروا شرح می‌دهد که این شیخ زمانی که جوان بوده نسخه‌ای از «داستان‌های فکاهی هندی» که در تمامی کشورهای شرقی ترجمه‌های آن موجود است و نیز نسخه ترکی آن که فرج بعد از شدت نام دارد و یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی فرانسه موجود است، ترجمه کرده و نام آن را هزار و یک روز نهاده است. پتی دلاکروا می‌گوید درویش مخلص با اعتمادی که به وی داشته، نسخه دست‌نوشته کتاب را در اختیار دلاکروا گذاشته و اجازه داده که از آن رونویسی کند.

دلاکروا می‌افزاید: «این‌گونه به نظر می‌رسد که داستان‌های هزار و یک روز چیزی جز تکرار داستان‌های هزار و یک شب نباشد و در حقیقت این دو کتاب، هم به لحاظ نحوه داستان‌سرایی و فرم و هم از نظر محتوا مانند هم‌اند. در داستان‌های هزار و یک شب شاه به خاطر بی‌اعتمادی به زنان آن‌ها را به قتل می‌رساند و در داستان‌های هزار و یک روز، قاتل شاهزاده خانمی ضدمرد است. برای همین این احتمال وجود دارد که این داستان‌ها یکی از دیگری تأثیر پذیرفته باشد. البته از آنجا که تاریخ نوشتن داستان‌ها مشخص نیست نمی‌توان با صراحت گفت که کدام یک بر دیگری تأثیر گذاشته است.»

یکی از ویژگی‌های هردوی این داستان‌ها این است که قهرمان و یا شخصیت محوری در آن‌ها زن است. در داستان‌های هزار و یک شب، شخصیت اصلی داستان دختر وزیر است که همسر پادشاهی می‌شود که به سبب بی‌اعتمادی به زنان، آن‌ها را بعد از گذراندن یک شب به قتل می‌رساند. دختر وزیر که با وجود این خطر و به رغم نظر

چارچوب و محتوای کتاب با داستان‌های هزار و یک شب اساس و انگیزه منتقدان این اثر بود که آن راگرده‌برداری از داستان‌های هزار و یک شب می‌دانستند. انتقادی که خود دلاکروا از قبل آن را پیش‌بینی کرده و به آن در مقدمه‌ای که بر داستان‌های هزار و یک روز نوشته، پاسخ گفته است.

نکته دیگری که بر این انتقادات افزود، یافته‌نشدن متن اصلی کتاب بود. دلاکروا مدعی بود که داستان‌های هزار و یک روز را از فارسی ترجمه کرده است اما هیچ متن فارسی‌ای نه در آثار و وسایل به جا مانده از او و نه اساساً در جای دیگری دیده شده است. همین امر بسیاری از منتقدان، از جمله هامر پورگشتال (مترجم دیوان حافظ؛ ترجمه‌ای که گوته از طریق آن با حافظ آشنا شد) را واداشته تا داستان‌های هزار و یک روز پتی دلاکروا را یک اثر جعلی بدانند که داستان‌های آن نه به فارسی یافت می‌شود و نه عربی. هامر پورگشتال معتقد است که پتی دلاکروا بخشی از داستان‌های کتاب هزار و یک روز را از زبان ترکی ترجمه و بخشی را نیز خود تصنیف کرده است. برخی از منتقدان تا آن‌جا پیش می‌روند که در مجموع به نویسنده بودن پتی دلاکروا در خلق اثر داستان‌های هزار و یک روز با دیده شک و تردید می‌نگرند، برای مثال کالین دو پلانسی می‌نویسد: «از آن‌جا که دلاکروا مدت‌ها در شرق به عنوان وطن‌دومش زندگی کرده بود در نوشتن به زبان مادری مشکل داشت. به همین خاطر آن رنه له‌ساز، نویسنده رمان فناناپذیر ژیل بلاس، تمام داستان‌های هزار و یک روز را خوانده و آن‌ها را تصحیح کرده است. علاوه بر آن، له‌ساز از داستان‌های هزار و یک روز برای نوشتن برخی از اپراهای خود نیز استفاده‌های بسیار کرده است؛ از جمله اپرای «شاهزاده خلف و شاهزاده خانم چین» که توسط جان کلود گلیلر (۱۷۳۷ - ۱۶۶۷) موسیقی‌دان فرانسوی با نام اپرای «شاهزاده خانم چینی» اجرا شد که در حقیقت اولین اجرای اپرای مشهور «توران‌دخت» است که بعدها توسط پوجینی تنظیم و اجرا گردید.

پل ارنست در ۱۹۲۵، در مقدمه ترجمه خود از هزار و یک روز به زبان آلمانی می‌نویسد: «... از آن‌جا که پتی دلاکروا به خاطر اقامت طولانی در شرق تسلط و احاطه کاملش را به زبان مادری از دست داده بود، به له‌ساز اجازه داد که اثر کاملش را بخواند و بازنویسی کند. اما بر اثر این «بازخوانی و تصحیح» تقریباً یک اثر جدید به وجود آمد. به همین خاطر است که نویسندگان دایرةالمعارف نویسندگان فرانسوی تا آن‌جا پیش می‌روند که داستان‌های هزار و یک روز را اثر له‌ساز می‌دانند.»

خاورشناس فرانسوی، پاول سباک در یادداشت خود بر اولین نسخه فرانسوی کتاب می‌نویسد: «پتی دلاکروا بیشتر داستان‌های هزار و یک روز را از متن ترکی فرج بعد از شدت که در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس موجود است، اقتباس استفاده کرده و همچنین در کنار آن از دیگر منابع شرقی نیز استفاده نموده است. او با آزادی و فراغ بال زیاد متن‌هایی را که در اختیار داشته تنظیم دوباره می‌کرده و داستان‌های تازه‌ای پدید می‌آورده تا آن‌جا که تقریباً این داستان‌ها را می‌توان از ابداعات او دانست. امری که نشانه استعداد دلاکرواست.



می‌توان حدس زد که فرانسوا دلاکروا در سال ۱۷۰۷ تحت تأثیر موفقیت آنتوان گالان (۱۷۱۵-۱۶۴۶) قرار گرفت. گالان با ترجمه و چاپ داستان‌های عربی هزار و یک شب که اولین جلد آن تحت عنوان «داستان شهریار و دختر وزیر» در ۱۷۰۴ انتشار یافت به شهرت رسید. بقیه جلدها قرار بود تا سال ۱۷۱۷ در ۱۱ جلد منتشر شوند. شاید به همین خاطر دلاکروا در سال ۱۷۱۰ اولین جلد ترجمه داستان‌های هزار و یک روز خود را منتشر ساخت. بقیه این داستان‌ها در چهار مجلد تا سال ۱۷۱۲ منتشر شدند. فرانسوا پتی دلاکروا در سال ۱۷۱۳ در پاریس گذشت.

هزار و یک روز

بعد از مرگ فرانسوا پتی دلاکروا، تجدید چاپ‌های متعدد از داستان‌های هزار و یک روز در فرانسه و همچنین ترجمه و چاپ و انتشار آن به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، روسی و... نشان‌دهنده موفقیت بزرگ این مجموعه در زمان خود بود. اما درست در پی اولین چاپ این اثر، انتقادهای زیادی هم به آن صورت گرفت که تا امروز ادامه دارد. شباهت عنوان کتاب و همچنین ساختار و